



لمعه در نجعه

پدیدآورده (ها) : فاطمی، سید حسن
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: پژوهش و حوزه :: زمستان 1379 - شماره 4
از 71 تا 81
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/24615>

دانلود شده توسط : سید حسن فاطمی
تاریخ دانلود : 23/01/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

لمعه در نجعه

سید حسن خاظمی

النَّجْعَةُ

في شرح اللعنة

تأليف

العلامة

الحاج الشيخ محمد تقی الشری

داماد الميرزا

قسم الطهارة

مکتبہ الصدوق

تهران - آذر ۱۳۷۴

النَّجْعَةُ فِي شَرْحِ اللَّعْنَةِ

علامه محقق مرحوم شیخ محمد تقی

شوشتری (م ۱۳۷۴ هـ. ش)

تحقیق: علی اکبر غفاری

چاپ اول، تهران، مکتبہ الصدوق

یکی از آثار ارزنده ایشان النجعه فی شرح اللعنه است که با شیوه خاصی به شرح اللعنه دمشقیه پرداخته است. علامه شوشتری انگیزه خود را از این

محقق بزرگوار علامه شیخ محمد تقی شوشتری - اعلی الله مقامه الشریف - از نوادر عصر حاضر است که آثار ارزشمندی از خود به جای گذارد.



تالیف، چنین بیان می‌کند:

شهید ثانی در شرح خود بر لمعه مطالبی را نقل کرده است اما نگفته که این مطلب در کجا و در چه کتابی است و آیا درست است یا نه، این‌ها هیچ معلوم نبود.

از این رو، با در نظر گرفتن مطالب شرح سابق و مراجعه به مآخذ وسائل الشیعه تصمیم گرفتیم بر لمعه شرحی بنویسیم و چون کتاب وافی فقط احادیث کتب اربعه را نقل کرده؛ اما وسائل به کتب اربعه اکتفا

نکرده است ولی معین نمی‌کند که مثلاً فلان حدیث در چه بابی است. به همین

دلیل به نوشتن النجعه در شرح لمعه مشغول شدم که در آن خبر را از خود کتب

اربعه و منابع حدیثی نقل کردم. سپس شماره باب را و این که مثلاً این حدیث در باب طهارت است یا زکات و یا ... و نیز در

چه کتابی است و حدیث چندم آن است و چه کسی آن را نقل کرده، همه این مسائل را مشخص کردم به طوری که تقریباً روش تازه‌ای را در ققه ارائه داده‌ام.^۱

به اختصار می‌توان ویژگی‌های زیر را برای نجعه بر شمرد:

۱. روایات را - که فقه شیعه بر آن‌ها

استوار است - به طور صحیح و منقح

بی‌واسطه از منابع مستقیم و اصلی نقل می‌کند. لذا لغزش‌های فراوانی را که در جوامع روایی متأخر و به تبع آن‌ها در کتب فقهی متأخر رخ داده، تذکر داده و این تحریفات را تصحیح و چه بسا به این طریق تعارض روایات را حل کرده است و این مهم‌ترین ویژگی نجعه است؛

۲. شرحی است روایی - فقهی و دقیق بر لمعه؛

۳. به بحث و استدلال‌های متعارف کتب فقهی پرداخته است؛

۴. عموماً بر اقوال قدما تکیه دارد؛

۵. همیشه اقوال را بدون واسطه از صاحبان آن‌ها نقل می‌کند؛

۶. تمسک به اصول عملیه در آن کم است؛

۷. در بسیاری از مسائلی که متعرض شده روایات زیادی را درباره آن‌ها نقل کرده است؛

۸. توجه به اقوال و روایات اهل سنت دارد؛

۹. معمولاً از مسائلی که در متن لمعه مطرح شده بحث می‌کند؛ ولی در موارد



ثانی گرفته شده . لذا بخشی از عبارات شهید اول از شهید ثانی پنداشته شده و برخی از عبارات شهید ثانی از لمعه تصور شده است .

ملاك ما در این که عبارتی جزء متن است یا خیر ، سه نسخه کهن از لمعه است که برگرفته از شرح نیستند و حتی تاریخ تحریر دو نسخه به قبل از ولادت شهید ثانی باز می گردد .

آنچه تحت عنوان «اضافات» یادآور می شویم در هیچ یک از سه نسخه زیر نیست و در معنا تاثیر دارند . همچنین آنچه تحت عنوان «افتادگی ها» می آوریم در هر سه نسخه وجود دارند .

گاه به عنوان مؤید اشکالی که مطرح می کنیم با رمزی که برای هر یک از نسخه های زیر انتخاب کرده ایم ، اشاره می کنیم :

۱ . «الف» برای اشاره به نسخه خطی موجود در کتابخانه آیه الله نجفی مرعشی به شماره ۹۵۹ ، کاتب : ابراهیم بن علی ، تاریخ تحریر : ۹۵۱ ق .

۲ . «ح» برای اشاره به نسخه خطی موجود در کتابخانه آیه الله نجفی مرعشی

اندک ، متعرض فروعی شده که شهید اول و ثانی ذکر نکرده اند .^۲

اگر چه نجعه شرحی دقیق بر لمعه است ؛ اما توجه مؤلف بزرگوار بیشتر به شرح معطوف بوده است تا به متن لمعه و ایشان در مقام تصحیح متن لمعه نبوده است . چنان که در مقدمه اشاره ای نفرموده است که متن لمعه از کدام نسخه گرفته شده . در عین حال که شارح ، بسیاری از لغزش ها در نسخه های موجود را بر طرف کرده ؛ لیکن کاستی هایی نیز در آن راه یافته است .

نارسایی عمده در این متن لمعه ، اضافات و افتادگی های زیاد در آن است و منشا آن این است که شرح لمعه شهید ثانی ، مزجی است و استنساخ کنندگان معمولاً دقت لازم در جدا کردن متن از شرح نکرده اند . لذا بعضی عبارات متن ، جزء شرح شده و بعضی عبارات شرح به متن ملحق گردیده است .

آن قسم از نسخه های لمعه که از شرح گرفته شده اند این نقص اساسی در آن ها مشاهده می شود . لمعه ای که در نجعه آمده از جمله متونی است که از شرح شهید



به شماره ۸۶۶، تاریخ تحریر: محرم ۸۶۳ق.

۳. «ك» برای اشاره به متن تحقیق شده توسط حجة الاسلام والمسلمین علی کورانی که از روی کهن ترین نسخه خطی موجود لمعه (مربوط به سال ۸۴۹ق.) تصحیح گردیده است.

در خور توجه است که از ابتدا تا کتاب صوم را بررسی می کنیم و چه بسا منشا پاره ای از اشکالات مطرح در این نوشتار، صرفاً اشتباه چاپی باشد.

کتاب طهارت

۱. طریق پاک شدن آب چاه: «(یظهر البشر بنزح) أربعین للشعلب والأرنب والشاة والخنزیر والکلب والهرة». ص ۴۶

در عربی هرگاه بخواهند لفظی را به کار برند که شامل مذکر و مؤنث شود، مذکر را غلبه می دهند و لفظ را به صورت مذکر می آورند. در خصوص «هرة» در المصباح المنیر تصریح شده که بر مذکر و مؤنث اطلاق می شود بر خلاف «هرة» که تنها بر مؤنث اطلاق می گردد. بنابراین، در

عبارت فوق اگر لفظ به صورت مؤنث استعمال شود، حکم تنها شامل گریه ماده می شود؛ اما همان گونه که از روایات در نجعه استفاده می شود، مخصوص گریه ماده نیست. لذاجا داشت «هرة» به صورت مذکر آورده می شد. ۳

۲. طریق پاک شدن آب چاه:

«یظهر القلیل بما ذکر والبشرینزح جمیعہ للبعیر وللشور والخمر والمسکر ودم الحدیث والفقاع ونزح کر للذآبة والحمار والبقرة وسبعین دلوا للإنسان و خمسین للدم الكثير». ص ۳۴

اگر عبارت بدین صورت باشد کلمه

«نزح» که در ادامه می آید باید به «بنزح» عطف شده به صیغه مجهول خوانده شود در نتیجه «کر» مرفوع است. اشکالی که پیش می آید این است که کلمات «سبعین» و «خمسین» به «کر» عطف شده اند در نتیجه باید مرفوع و به صورت «سبعون» و «خمسون» باشند. منشا اشکال این است که «بنزح» به صورت فعل نگاشته شده؛ در حالی که در نسخه های «الف»، «ح» و «ك» جارو مجرور یعنی «بنزح» ضبط شده است.

۳. احکام حیض :

«لو تجاوز العشرة فذات العادة الحاصلة باستواء مرتين تأخذها وذات التمييز تأخذه بشرط عدم تجاوز حديه [والرجوع] في المبتدئة والمضطربة.»

ص ۲۴۴

«ذات التمييز» زنی است که خون او دارای صفات حیض است؛ مانند سیاه یا سرخ بودن، با فشار خارج شدن و...

ظاهراً «تمییز» به معنای تشخیص باید از باب تفعیل باشد نه تفعّل. ۴

۴. کیفیت تیمم :

«الواجب النية مقارنة للضرب على الارض بيديه مرة للوضوء فيمسح بها جبهته من قصاص الشعر...» ص ۴۳۷

روشن است که «بهما» درست است و مرجع ضمیر، «دو دست» است.

افتادگی ها

۱. طریق نجس شدن آب مضاف :

«وینجس بالنجس.» ص ۷۴

«بالانصال» پس از «ینجس» افتاده

است.

۲. فاصله میان چاه و محلی که در آن

آب نجس چاه را می ریزند :

«يستحب التباعد بين البئر والبالوعة بخمسة أذرع في الصلبة أو تحتية البالوعة والأ يکن فسبح.» ص ۸۳

پس از «فسبح» جمله زیر افتاده است :

«ولاتنجس بها وإن تقاربتا إلا مع العلم

بالانصال.»

۳. مستحبات وضو :

«تثنية الغسلات وبداة الرجل بالظهر.»

ص ۱۷۷

جمله «والدعاء عند كل فعل» پس از

«تثنية الغسلات» افتاده است.

۴. احکام استحاضه :

«أما الاستحاضة فهي ما زاد على العشرة أو العادة مستمراً أو بعد اليأس أو بعد النفاس وحكمها كالحائض ويجب الوضوء مع غسلهن.» ص ۲۸۹

پس از «أو بعد النفاس» چند سطر زیر

افتاده است :

«ودمها أصفر بارد رقيق فاتر غالباً. فإذا

لم تغمس القطنة تتوضأ لكل صلاة مع

تغيرها وما يغمسها بغير سيل يزيد الغسل

للمصبح وما يسيل تغتسل أيضاً للظهرين ثم

للعشائين وتغير الخرقه فيهما.





۳. «عفی عن دم الجرح والقرح مع السیلان و عن دون الدرهم البغلی.» ص ۱۱۰

۴. «فإن ولغ فيه (الإناء) كلب قدم عليهما مسح بالتراب ويستحب السبع فيه وكذا في الفارة والخنزير.» ص ۱۲۲

۵. «المطهرات عشرة... والنار ما أحالته رماداً أو دخاناً.» ص ۱۳۴

۶. «واجبه (الوضوء) النية... ثم مسح ظهر الرجل اليمنى إلى الاعمى ثم اليسرى.» ص ۱۵۶

۷. «يكراه (في التخلي)... السواك حالته والكلام إلا بذكر الله تعالى.» ص ۱۹۷

۸. «و ذات التميز تأخذه بشرط... فكال مضطربة في أخذ عشرة أيام من شهر وثلاثة من آخر أو سبعة سبعة أو ستة ستة.» ص ۲۴۴

۹. «والشهيد لا يغسل ولا يكفن بل يصلی علیه ویدفن بشیابه ودمائه و يجب إزالة النجاسة عن بدنه أولاً.» ص ۳۳۴

۱۰. «يستحب أن يكون عمقه نحو قامة ووضع الجنازة عند رجليه أولاً ونقل الرجل في ثلاث دفعات.» ص ۴۰۵

وأما النفاس : قدم الولادة معها أو بعدها وأقله مسماه وأكثره قدر العادة في الحيض فإن لم يكن فالعشرة.»

۵. اقسام غسل : «أما غسل المس فبعد البرد وقبل التطهير.» ص ۲۹۴

جملة «ويجب فيه الوضوء» از پایان افتاده است.

۶. احكام غسل ميت : «يجب المساواة في الرجولية والأنوثة في غير الزوجين ومع التعذر فالمحرم من وراء الثوب فإن تعذر فالكافر بتعليم المسلم.» ص ۳۲۴

پس از «فالكافر»، «والكافرة» افتاده است.

اضافات

عباراتی که با حروف سیاه نوشته شده جزء متن لمعه نیست :

۱. «ینجس (الماء) بالتغیر بالنجاسة في احد أوصافه الثلاثة.» ص ۲۲

۲. «طهره (الماء المضاف) إذا صار مطلقاً بالكثیر المطلق علی الاصح.» ص ۷۴

کتاب صلاة

تصحیح

۱. شرایط نماز:

«... والتَّمييز فلا تصحَّح من المجنون

و... ج ۱، ص ۱۹۵

«تمییز» از باب تفعل درست است، نه از باب تفعّل. لذا به کسی که افعال خوب و بد را تشخیص می دهد «متمییز» می گویند نه «تمتمییز».

۲. کیفیت نماز:

«يجب الجهر بالقراءة في الصبح
وألومي العشاء والإخفات في
البواقي». ج ۱، ص ۲۴۸

روشن است که «العشاءین» صحیح است تا شامل نماز مغرب نیز بشود.

۳. مستحبات نماز (برای زنان):

«تجلس على اليها». ج ۱، ص ۳۶۳

«اليتها» صحیح است؛ زیرا مفرد آن «الیه» است.

۴. مستحبات نماز:

«ولاترتع المصلّي قاعداً حال قرائته
وتثني رجله حال ركوعه». ج ۱، ص ۳۱۷
احتمالاً در اثر اشتباه چاپی «لا» نوشته

شده و این افعال از مستحبات نماز است.
چنانچه در شرح این قسمت، روایت زیر را
نقل می کند:

«عن احدهما (ع): كان أبي (ع) إذا صلى
جالساً ترتع فإذا ركع ثنى رجله». ۴

۵. فضیلت نماز در مساجد مختلف:

«تفاوت المساجد في الفضيلة
فالمسجد الحرام بمائة ألف صلاة...
والسوق باثني عشرة». ج ۱، ص ۱۳۸

اعداد یازده و دوازده هر دو جزء، یا
مذکرنند و یا مؤنث و در این جا تمیز «صلاة»
است بنابراین «اثنتي عشرة» صحیح است.
۶. نماز عیدین:

«يجب فيها التكبير زائداً على المعتاد،
خمساً في الأولى وأربعاً في الثانية والقنوت
بينهما». ج ۲، ص ۶

قنوت بین تکبیرهای پنج گانه و
چهارگانه است بنابراین «بینها» صحیح
است. ۵

افتادگی ها

۱. شرایط نماز:

«ترك الكلام... والكتف والالتفات إلى
ما وراءه». ج ۱، ص ۱۹۰



«إلا لتقية» پس از «الكتف» افتاده است .

۲ . احکام اذان :

«يستحب الطهارة والحكاية لغير المؤذن ثم يجب القيام ...» ، ج ۱ ، ص ۲۲۴

جمله «ويكره الترجيع» پس از «المؤذن» افتاده است .

۳ . کیفیت نماز :

«ثم يجب القيام مستقلاً به مع المكنة فإن عجز فقي البعض فإن عجز اعتمد فإن عجز اضطجع ويؤمى للركوع والسجود بالرأس» . ج ۱ ، ص ۳۲۹

جمله «فإن عجز قعد» پس از «اعتمد» و همچنین جمله «فإن عجز استلقى» پس از «اضطجع» افتاده است .

۴ . تعقیبات نماز :

«... ثم سجدتا الشكر ويعفر بينهما .» ج ۱ ، ص ۳۳۷

جمله «ويدعو بالمرسوم» از پایان افتاده است .

۵ . مستحبات نماز عید فطر و قربان :

«يستحب التكبير في الفطر عقيب أربع أولها المغرب ليلته و عقيب عشر بغيرها .»

ج ۲ ، ص ۱۸

جمله آخر از جهت معنا نامفهوم است عبارت صحیح این گونه است :

«يستحب التكبير في الفطر عقيب أربع أولها المغرب ليلة وفي الاضحى عقيب خمس عشرة بمنى وعشر بغيرها .» ۶

۶ . شک بین سه و چهار :

«... والاصح الصحة .» ج ۲ ، ص ۱۶۲

جمله «لقولهم(ع) : ما اعاد الصلاة فقيه» از پایان افتاده است .

۷ . شک بین دو و سه در نماز مغرب :

«أوجب الصدوق أيضاً الاحتياط بركتين جالساً ... عملاً برواية عمّار عن الصادق(ع) وهو فطحي .» ج ۲ ، ص ۱۷۱

جمله «وأوجب أيضاً ركعتين جلوساً للشك بين الأربع والخمس وهو متروك» از پایان افتاده است .

۸ . شک بین سه و چهار :

«... وهو خيرة ابن بابويه .» ج ۲ ، ص ۱۷۴

جمله «وترده الروايات المشهورة» در پایان افتاده است .

۹ . کسی که عریان نماز خوانده است :

«أوجب ابن الجنيد الإعادة على العاري»



۵. «(يستحب) الجمعة والتوحيد في
صبحها وقيل: الجمعة والمنافقين». ج ۱،
ص ۱۹۵

مرحوم محقق شوشتری در پایان از
قول شهید ثانی جمله «وهو بعيد» را
نگاشته است؛ حال آن که این جمله کلام
شهید اول و جزء متن لمعه است.

۱۰. کیفیت نماز خواندن مبطلون:
«... والاقرب الاول لتوثيق رجال
الخير عن الباقر(ع)». ج ۲، ص ۲۰۳

عبارت «وشهرته بين الأصحاب» از
پایان افتاده است.

۷. «والتعقيب وأفضله التكبير... ثم
الدعاء بعدها بالمنقول ثم بما سنح». ج ۱،
ص ۳۳۲

۸. «لا تتعقد (الجمعة) إلا بإمام أو
نائبه... واجتماع خمسة فصاعداً أحدهم
الإمام». ج ۱، ص ۳۷۲

۹. «لو جهل عين الفاتنة صلى...
والمسافر يصلى مغرباً وثنائية مطلقة ولو
اشتبه فرباعية وثنائية ومغرباً». ج ۲،
ص ۱۹۰

۱۰. «لو تبين عدم الأهلية في الاثناء
انفرد و بعد الفراغ لا إعادة على الاصح».
ج ۲، ص ۳۳۰.

کتاب های زکات، خمس و صوم

تصحیح

۱. احکام زکات در انعام ثلاثه:

اضافات
۱. «في السفر والخوف تتصرف
الرباعية». ج ۱، ص ۲۲
۲. «يمتد وقت الظهرين إلى الغروب
اختياراً». ج ۱، ص ۴۵

۳. «لو انكشف الخطأ (في القبلة) بعد
الصلاة لم يعد ماكان بين اليمين
واليسار». ج ۱، ص ۹۳

۴. «تكره الصلاة... بين المقابر إلا
بحائل ولو عترة أو بعد عشرة اذرع ولو
كانت خلفه فلاكراهة وفي الطريق». ج ۱،
ص ۱۶۱



«لو كانت الغنم مرضى فمئها .» ص ۵۶
 شهید اول در این قسمت از لعمه، احکام تمام انعام ثلاثه را بیان می کند و حکمی که در این جمله آمده مخصوص گوسفند نیست؛ لذا شهید ثانی پس از «غنم» می افزاید: «أو غیرها من النعم» لیکن عبارت صحیح در متن «النعم» است نه «الغنم».^۷

۲. زکات در غلات:

«أما الغلات فيشترط فيها التملك بالزراعة أو الانتقال قبل انعقاد الثمرة وانعقاد الحبّ ونصابهما ألفان وسبعمائة رطل بالعراقي .» ص ۶۴
 روشن است که «نصابها» درست است و مرجع ضمیر، «غلات» است.^۸

۳. انفال:

«نفل الإمام(ع) أرض انجلى عنها أهلها أو أسلمت طوعاً أو باد أهلها والآجام ورؤوس الجبال ويطون الأودية وما يكون بهما .» ص ۱۹۴
 اگر ضمیر در «بهما» مثنی باشد تنها آنچه در سرکوه ها و در درون دشت هاست جزء انفال است نه موارد دیگر. اما چنین چیزی را در منابع فقهی نیافتیم. ظاهراً

آنچه در موارد دیگر باشد نیز جزء انفال است بنابراین عبارت صحیح «بها» است.^۹

۴. احکام روزه:

«يقضي لو تعمّد الإخلال ويقضي لو عاد بعد انتباهة أو احتقن بالمائع أو ارتمس متعمداً أو تناول من دون مراعاة ممكنة فاخطأ .» ص ۲۲۴
 به قرینه فعل های دیگر «تناول» به صیغه ماضی صحیح است.^{۱۰}

۵. احکام روزه:

«يجوز في الشهرين متتابعين صوم شهر والصدقة عن آخر .» ص ۳۲۰
 «متتابعين» صفت برای «الشهرين» است و باید الف ولام داشته باشد.^{۱۱}

۶. روزه زن باردار و شیرده:

«الحامل المقرب والمرضعة القليلة اللين تظفران وتفديان .» ص ۳۳۱
 از آن جا که «شیر دهی» از صفات مخصوص زنان است باید لفظ آن مذکر و به صورت «المرضع» باشد.^{۱۲}

۷. اعداد ترتیبی مرکب هر دو جزء آن با هم مذکر و مؤنث می شوند؛ اما در صفحه ۳۸۴ «الحادية عشر» ضبط شده است.

افتادگی ها

۱. احکام زکات:

«يشترط فيها السوم والحول بمضي أحد

عشر شهراً.» ص ۳۹

كلمة «هلالية» پس از «شهرأ» جزء متن

لمعه است؛ اما محقق شوشتری آن را از

قول شهید ثانی نگاهشته است.

۲. مستحقین زکات:

«والغارمون وهم المدینون في غير

معصيته.» ص ۹۳

عبارت زیر از پایان افتاده است:

«والمروي انه لا يعطى مجهول الحال

ويقاص الفقير بها وإن مات أو كان واجب

النفقة.»

۳. احکام روزه:

«لو استمر المرض إلى رمضان آخر

فلا قضاء ويفدى عن كل يوم بمسء.»

ص ۳۰۸

عبارت زیر در پایان نیامده است:

«ولو برأ وتهاون فدى وقضى ولو

لم يتهاون قضى لا غير.»

۴. شرایط اعتکاف:

«يشترط الصوم فلا يصح إلا من مكلف

يصح منه الصوم.» ص ۴۱۴

جمله «في زمان يصح صومه» از پایان

افتاده است.

بهي نوشت ها

۱. آینه پژوهش، ش ۷، ص ۳۲.

۲. ر.ك: همان، ص ۳۳.

۳. نسخه های «الف»، «ح» و «ك».

۴. نسخه های «ح» و «ك».

۵. نسخه «ك».

۶. نسخه های «الف»، «ح» و «ك».

۷. همان.

۸. همان.

۹. همان.

۱۰. همان.

۱۱. همان.

۱۲. همان والمنجد.